

تحلیل رأی تفسیری آیت الله جوادی آملی درباره القائنات شیطانی در پیامبران با محوریت آیات ۵۲-۵۴ سوره حج

معصومه رحیمی^۱

چکیده

چالش تصرف شیطان در پیامبران از شبهه‌هایی است که برخی آن را به آیه ۵۲ سوره حج در داستان غرانیق نسبت داده‌اند. این آیه از خواست شیطان برای القادرتمنی پیامبران و نسخ آن توسط خداوند خبر می‌دهد. پژوهش حاضر در حوزه مطالعات تفسیر قرآن برگرفته از نظرات تفسیری آیت الله جوادی آملی درباره آیات ۵۲ - ۵۴ سوره حج با تأکید بر عبارت «اذا تمنى القى الشيطان فى امنيته» در آیه ۵۲ است و می‌فرماید با توجه به تجرد عقلی پیامبران و تجرد وهمی شیطان امکان ندارد شیطان در تمنی پیامبران تصرف کند. **واژگان کلیدی:** القا، تمنی، سوره حج، تجرد عقلی پیامبران، تفسیر.

۱. مقدمه

تدبر در آیات ۵۲ تا ۵۴ سوره حج به ویژه آیه نخست مخاطب را با مسئله مهم رویارویی شیطان به عنوان مبدأ و سوسه با پیامبری که حامل و امانت‌دار وحی است، روبه‌رو می‌کند. موضوعی که همواره در پژوهش‌های معرفتی به آن توجه شده است. مضمون این آیات نشان می‌دهد که این مواجهه در قلمرو تمنی پیامبر ﷺ است. آیا به راستی شیطان می‌تواند بر تمنی پیامبران تصرف کند؟ آنچه از پیشینه پژوهش به دست آمد لغزش تفسیری در بهره‌گیری از روایات جعلی غرانیق برای تبیین موضوع است. سهل‌انگاری‌ای که اگرچه توسط بیشتر مفسران به ویژه معاصرین، مورد نقد قرار گرفت لیکن به گفته ابن عاشور نویسنده تفسیر التحریر و التنویر، سبب انحراف در تفسیر آیه ۵۲ سوره حج شده است. (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ۱۷/۲۱۷) این چالش از شبهه‌هایی است که برخی آن را به آیه ۵۲ سوره حج در داستان غرانیق نسبت داده‌اند. این آیه از خواست شیطان برای القادر تمنی پیامبران و نسخ آن توسط خداوند خبر می‌دهد. باور به سهوالنبی و جمود بر روایات غرانیقی سبب شد مفسرانی که به القاپذیری معتقدند آیه تمنی را اثبات‌کننده شبهه دخالت شیطان در پیامبر

۱. دانش پژوه دکتری تفسیر تطبیقی، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، از افغانستان.

بدانند (رحیمی، ۱۳۹۷، ص ۱۴۱). با این ضرورت برای رسیدن به فهم بهتر آیات شریفه و دریافت چگونگی القا بر پیامبران از تفسیر آیت الله جوادی آملی استفاده می شود. وی از مفسران مشهوری است که در جمع بندی و تحلیل آرای گذشتگان و ارایه تفسیر جدید و کاربردی از آیات قرآن اهتمام ویژه ای دارد. سبک علامه در روش تفسیری قرآن به قرآن بهره گیری از قراین درونی و بیرونی آیات با ذکر ادله عقلی و نقلی است. در پژوهش حاضر ابتدا رأی ایشان در فضای درونی آیات بررسی می شود، سپس فضای بیرونی آیات تبیین می شود و در ادامه نیز با بهره گیری از آیات مرتبط در سوره های انعام و اسراء نظر ایشان در ارتباط با آیات شریفه و با موضوع مورد بحث تشریح می شود. در پایان نیز موضوع القا بر پیامبران از نظر عقلی بررسی می شود و ارزیابی رأی ایشان ذکر می گردد. نوشتار حاضر به روش توصیفی-تحلیلی است که از جمع بندی آرای تفسیری آیت الله جوادی آملی در دروس خارج تفسیر مسجد اعظم قم و آثار مکتوب ایشان گردآوری شده است.^۱

۲. مفهوم شناسی

فهم واژگان کلیدی در آیات ۵۲ و ۵۳ سوره حج و دیگر کلماتی که بیشترین کاربرد را در پژوهش دارند گام مهم برای فهم معنای نهفته در آیات مبارکه و عبارات قرآنی است که در تحقیق حاضر نقش محوری دارند. از این رو به تعریف دو واژه کلیدی «القا و تمنی» پرداخته می شود:

۲-۱. تمنی

تمنی از منی به معنی گزینش و تقدیر چیزی در نفس و تصویر آن در ذهن است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۷۷۹) آرزو، حدیث نفس و تلاوت سه معنای پرکاربرد منی است (ابن اثیر، ۱۳۶۷، ۴/۳۶۷؛ ازهری، ۱۴۲۱، ۱۵/۳۸۳). عبارت التمنی عند الخيال نشان می دهد که گستره تمنی انگاره های ذهنی است (صدرالدین شیرازی، ۱۴۲۲، ص ۴۵۲). در اصطلاح خواستن امر دوست داشتنی که رسیدن به آن ناشدنی است و یا دور به نظر می رسد برخلاف ترجی که آرزوی ممکن است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۷۷۹).

۲-۲. القا

القایعی، افکندن چیزی به گونه ای که آن را ببینی. این معنی درباره انداختن هر چیزی به کاررفته است. همان طور که در قرآن (ر.ک.، طه: ۸۷؛ اعراف: ۱۱۵) آمده است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۷۴۵)

۱. تفسیر ترتیبی تسنیم از آیات مورد بحث به مرحله چاپ نرسیده است. از این رو، برای تبیین موضوع، از دروس خارج تفسیر آیت الله جوادی آملی در مسجد اعظم قم و تفاسیر موضوعی و دیگر آثار ایشان که در پرتال بنیاد بین المللی علوم وحیانی اسراء موجود است، استفاده گردید. <http://www.esra.ir/>

۳. تبیین رأی آیت الله جوادی آملی در تفسیر آیات ۵۲-۵۴ سوره حج

۱-۳. تفسیر درونی آیات

آیت الله جوادی آملی آیات یادشده را جریان عمومی در دعوت به دین می داند به این معنا که شیطان هنگام تبلیغ آموزه های الهی به جامعه توسط پیامبران در مسیر برنامه آنها وارد می شود و مردم را با روش های گوناگون منحرف می کند. به دنبال این رویارویی دو گروه بیمار دل و سخت دل در آشوب های شیطانی حرکت می کنند و گروه دیگر که علم و ایمان دارند برای از بین بردن و نسخ توطئه های شیطانی از ارزش های دینی دفاع می کنند و سرانجام به اراده پروردگار این حقیقت است که استوار می ماند.

۱-۱-۳. بیان محورهای اصلی آیات

آیت الله جوادی آملی در بیان محورهای اصلی آیات می فرماید:

هر کسی که از طرف خدای سبحان رسالتی دارد خواه رسالتش با کتاب همراه باشد که می شود از انبیای اولوالعزم یا کتاب آزادانه نداشته باشد و حافظ شریعت پیامبر اولوالعزم باشد که می شود نبی در برابر رسول ﷺ. بالاخره اینها پیام الهی را به جامعه منتقل می کنند. هر پیامبری که از طرف خدا احکام و حکم الهی را به جامعه منتقل کرد شیطان در اجرای برنامه او در جامعه آشوب می کند، عده ای را اغوا می کند و عده ای را وسوسه می کند. عده ای را با وهم و خیال و عده ای را با شهوت و غضب گرفتار شبهات می کند و از مسیر جدا می کند. این یک اصل کلی است. بعد ذات اقدس الهی می فرماید خداوند این صحنه را به خوبی مدیریت می کند. این یک آزمون الهی است که در این آزمون دو گروه آسیب می بینند: گروهی پیروزند؛ یعنی آنها که بیمار دل یا قسی القلب هستند، آسیب می بینند و به دنبال این آشوب شیاطین حرکت می کنند یا گرفتار شهوت عملی هستند و یا به دنبال شبهه علمی. آنها که علم دارند، علم نافع دارند و هم این آشوب را شناسایی می کنند، هم دفاع می کنند و هم خودشان را پاسداری می کنند. (جوادی آملی (ج) ۱۳۸۹)

ایشان در جای دیگری می فرماید:

هیچ پیغمبری نیست مگر اینکه شیاطین در دین او رخنه می کنند که مبادا جامعه این دین را مانند راه سعادت بدانند. این کار را آنها می کنند و عده ای که قلبشان مریض است، می پذیرند و عده ای که قلبشان قاسی است بیشتر می پذیرند. عده ای که مردان الهی و اهل تحقیق هستند نه تنها نمی پذیرند بلکه درصدد ابطال این شبهات هم هستند. فرمود این راه آزمون ماست. فرمود: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَّسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَنَّى» حالا آیات الهی را تلاوت کنند یک مرحله و تفسیر کند، تبیین کند و به مردم ابلاغ کند، تعلیم کتاب و حکمت کند مرحله برتر. «الَّذِي الشَّيْطَانُ فِي أُمْنِيَّتِهِ» یعنی در حوزه کار او

شیطان راه پیدا می‌کند؛ یعنی میان پیام‌رسانی وجود مبارک پیغمبر ﷺ و سطح جامعه اینجا و سوسه و شیطنت و شیخون و تهاجم راه پیدا کند که مبدا مطالب صحیح به مردم برسد این کار را می‌کند خب حالا بعد چطور؟ فرمود سرانجام در هر مقطع تاریخی و در هر آزمونی حق پیروز است. این «وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» یا «الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» تنها مربوط به زمان ظهور حضرت ﷺ نیست و در هر مقطع تاریخی دقیقه نود حق پیروز است در هر جایی. (جوادی آملی (ج)، ۱۳۸۹)

آیت الله جوادی آملی می‌فرماید:

درباره زایل کردن اثر سوسه‌ها و کارشکنی‌های شیطان در برنامه‌های هدایتی انبیا ﷺ که امری تکوینی است، آمده است: «و ما أرسلنا من قبلك من رسول ولا نبی الا اذا تمئیلقى الشیطان فی أمتیه فینسخ الله ما یلقى الشیطان ثم یحکم الله آیاته والله علیم حکیم». تمنی پیامبران و به ویژه رسول گرامی اسلام ﷺ هدایت و اصلاح جوامع بشری است و شیطان که از موانع تکامل انسان است، می‌کوشد در برنامه‌های هدایتی و اصلاحی پیامبران ﷺ اختلال کند. اگرچه شیطان هیچ راهی به دل‌های پاک پیامبران ﷺ برای سوسه ندارد؛ زیرا دل‌های آنها از حصون امن الهی است که از گزند سوسه هر شیطانی مصون است، ولی دسیسه و سوسه او برای صدا از صراط مستقیم در تحقق عینی است. خدای سبحان القائنات و اختلال‌های شیطانی در برنامه‌های پیامبران ﷺ را نسخ و ازاله و آیات خود را تحکیم می‌کند؛ یعنی با حاکمیت آیات خود، راه نفوذ شیطان را می‌بندد. (جوادی آملی (ج)، ۱۳۸۹، ۹۲/۶)

با توجه به مطالب آمده روشن می‌شود پیامبر اکرم ﷺ عهده‌دار تبیین وحی و تعلیم کتاب و حکمت است و برای هدایت جامعه طرح و برنامه دارد. شیطان هم در جامعه شبهه‌هایی برای گمراهی مردم می‌فرستد، ولی بالاخره این حق است که پیروز می‌شود و به امر الهی شبهات توسط عالمان مؤمن نسخ و زایل می‌شود.

۳-۲. مفهوم تمنی پیامبران

در عبارات بالا تمنی پیامبر ﷺ به مفهوم تبیین کتاب و تعلیم آن به مردم است اگرچه در مطلب بعد به معنای امید و آرزو بیان می‌شود؛ امید به نشر معارف و احکام و حکم الهی (جوادی آملی، ۱۳۸۹). امنیه هم از منی بروزن رمی و به معنای امید و آرزو است (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ۱۶۷/۴). بنابراین، متعلق امنیه آرزوی پیامبر ﷺ برای هدایت قوم است و جامعه مؤمن نهایت آرزوی وی است اگرچه آرزو از آن پیامبر ﷺ است، اما متعلق آنکه هدایت مردم است خارج از نفس مبارک او

۱. اشاره به آیات: وَ لَا یُضِدُّنَّکُمُ الشَّیْطَانُ إِنَّهُ لَکُمْ عَدُوٌّ مُّبِیْنٌ (الزخرف: ۶۲)؛ إِنَّمَا یُرِیدُ الشَّیْطَانُ أَنْ یُوقِعَ بَیْنَکُمُ الْعَدَاوَةَ وَ الْبَغْضَاءَ فِی الْخُمْرِ وَ الْمَیْسِرِ وَ یُضِدُّکُمْ عَنْ ذِکْرِ اللَّهِ وَ عَنِ الصَّلَاةِ (المائدة: ۹۱).

است و شیطان نیز در این متعلق وارد می‌شود. استناد آیت‌الله جوادی آملی چنین است:

متعلق آمال و آرزوی انبیا علیهم‌السلام هدایت مردم است که آن متعلق از جان آنان بیرون است و شیاطین مانع تحقق آن متعلق هستند، پس مردم را گمراه می‌کنند تا متعلق آرزوی انبیا علیهم‌السلام محقق نشود. شیطان با به‌کارگرفتن اعوان و انصار انسی و جنی خود می‌کوشد که هیچکس به پیامبران ایمان نیاورد و همه انسانها را به گمراهی و شقاوت بکشاند و تلاش پیامبران در ارشاد و هدایت مردم را بی‌نتیجه کند. الفا مانع ایمان آوردن بسیاری از انسان‌ها می‌شود. «وَمَا أَكْثَرُ النَّاسِ وَلَوْ حَرَصْتَ بِمُؤْمِنِينَ» (یوسف: ۱۰۳) بدین سان با بی‌ایمان کردن برخی از انسان‌ها، خواسته شیطان در امنیه و آرزوی همه انبیا که ایمان آوردن همه انسان‌هاست، وارد می‌شود و موجب اخلال در برآورده شدن آرزوی آنان می‌شود. (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ۱۶۷/۴)

۳-۱-۳. تبیین القای شیطان و چگونگی مقابله پیامبران با آن

آیت‌الله جوادی آملی چگونگی القای شیطان را اینگونه توضیح می‌دهد:

باتوجه به اجباری نبودن دین اختیار انسان‌ها در ایمان به انبیا نقش اصلی را ایفا می‌کند و رمز نفوذ شیطان در برخی نیز همین اختیار انسان است، پس تلاش او بی‌ثمر نیست؛ زیرا مانع ایمان آوردن بسیاری از انسان‌ها می‌شود. شیطان تلاش می‌کند به‌گونه‌ای مردم را در کلام الهی بودن قرآن و سایر کتاب‌های آسمانی دچار تردید و بی‌اعتمادی کند که حتی یک نفر هم به انبیا علیهم‌السلام ایمان نیاورد تا از این رهگذر آیات الهی را تعطیل و بی‌خاصیت کند. (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ۱۶۷/۴)

ایشان در تفسیر آیات ۵۲ و ۵۳ سوره حج ویژگی مشترک القایذیران را پذیرش شتابان و سوسه بدون تأمل و از روی نادانی می‌داند و می‌نویسد:

قرآن کریم ابزار آشوب ابلیس را دل‌های منحرف از حق می‌داند که از آن جمله دل بیمار و سخت دل و دل تبهکار است. قلب مریض قلبی است که خیلی زود حق را تصور می‌کند، ولی خیلی دیر به آن معتقد می‌شود و قلب قسی و سخت قلبی است که هم دیر آن را تصور می‌کند و هم دیر به آن معتقد می‌شود، اما قلب مریض و قسی و سواس‌های شیطنی را خیلی زود می‌پذیرد. بنابراین، مردم در برابر القائنات شیطنی سه دسته‌اند: مریض القلب، قسی القلب و اولوالعلم. «لِيَجْعَلَ مَا يُلْقَى الشَّيْطَانُ فِتْنَةً لِلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَالْقَاسِيَةَ قُلُوبُهُمْ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَفِي شِقَاقِي بَعِيدٍ * وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ آمَنُوا إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (حج: ۵۳-۵۴). القائنات شیطنی در دو گروه اول و دوم اثر می‌کند و برای آنها فتنه است و آن دودسته از ظالمان می‌شوند، اما دسته سوم از القائنات شیطنی آسیب نمی‌پذیرند و اهل نجات هستند (جوادی آملی (ب)، ۱۳۸۹، ۲۱۳/۱۴). شیطان به سنگدلان امیدوار است؛ زیرا قلب

قسی ابزار شیطننت و فتنه و آشوب شیطان است. (جوادی آملی (ب)، ۱۳۸۹، ۲۶۷/۲۲)

از نظر ایشان تنها راه مقابله با نفوذ، تجهیز به سلاح ایمان و علم است؛ زیرا وجود روایاتی ساختگی مانند غرانیق نشان دهنده وجود القائات و نفوذهای نامبارک شیطانی در کتاب‌های تفسیری و علمی است که آیه تمنی مؤید وجود این پدیده است، ولی به لطف پروردگار و همت اهل علم این‌گونه القائات نمایان شده است و با بررسی‌ها و نقدهای علمی منصفانه از صحنه متون علمی زوده و نسخ می‌شود. (جوادی آملی (ج)، ۱۳۸۹) اگرچه ابلیس با القائات خود سعی دارد انسان‌ها را منحرف کند، ولی وجود انسان‌های باایمان نشان دهنده نسخ القائات است و شیطان موفق نمی‌شود؛ زیرا قوانین الهی بر جامعه استوار و حاکم است (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ۲۶/۲۸۰). آیت‌الله جوادی آملی نسخ در آیه را نمونه‌ای از تحدی پروردگار می‌داند؛ زیرا ساختار آیه تمنی به صورتی است که نشان می‌دهد خداوند قصد دارد با قاعده تحدی مقصود خود را از نزول آیه آشکارتر کند. براین اساس تحدی قرآن و ایمان بعضی از انسان‌ها به صورت موجب جزئیة نسخ و ابطال القائات شیطان است که برای کفر همه انسان‌ها به صورت سالبه کلیه تلاش می‌کند تا هیچکس ایمان نیاورد. به این ترتیب آیه مورد بحث با خطوط کلی معارف دینی و نظام شریعت هماهنگ است (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ۱۶۹/۴).

۳-۱-۴. برآیند تفسیر درونی

آنچه در نتیجه مطالب این مفسر دیده می‌شود توسعه مفهومی آیات شریفه و کارکرد فرهنگی آن است. مسئله شبیخون فرهنگی که بارها توسط صاحب نظران هشدار داده شده است نمونه مشخصی از القائات و دسیسه‌های پنهانی سپاهیان ابلیس است که در حال تزریق به جامعه است. این مسئله در تفسیر آیه تمنی در درس خارج تفسیر آیت‌الله جوادی آملی تأکید شد. ایشان در بخشی از درس فرمود:

آیه ۱۲۱ سوره انعام و آیات ۵۲ و ۵۳ سوره حج بخش مهمش مربوط به مسائل علمی، شبهات علمی، اشکالات علمی و نقدهای علمی است که متوجه دین می‌کنند. به همین دلیل در قبال «الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ» یا «الْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ» علما قرار گرفتند، پس معلوم می‌شود که بخش مهم فتنه شیطان در این قسمت سوره حج، همان شبهات علمی است که دانشمندان دین باید آنها را برطرف کنند... قسمت مهم این شبهه و فتنه شبیخون و تهاجم فرهنگی است و گرنه در مقابل «فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ» و در مقابل «وَالْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ» المؤمنون قرار می‌گرفت. این تماس برای آن است که محور فتنه‌انگیزی {شیطان} در همین مسائل علمی است. وجود روایات ساختگی مانند غرانیق نشان دهنده وجود القائات و نفوذهای نامبارک شیطانی در کتاب‌های تفسیری و علمی است که آیه تمنی

مؤید وجود این پدیده است، ولی به لطف پروردگار و همت اهل علم این گونه القائات نمایان شده است و با بررسی ها و نقدهای علمی منصفانه از صحنه متون علمی زدوده و نسخ می شود. قسمت مهم محتوای این آیه آزمون الهی است برای حوزه ها و دانشگاه که شبهات را بررسی کنند، شبیخون را بررسی کنند، تهاجم را بررسی کنند، شیطنت اینها را بررسی کنند و به طور کامل پاسخ دهند. خدای سبحان کار {شیطان} را ذکر می کند، کار خودش را بیان می کند و وظیفه دانشمندان دین را هم تشریح می کند. ... این کار فتنه است امتحان خداست و هر کسی به مقامی می رسد به وسیله آزمون الهی و فتنه الهی و امتحان الهی می رسد. افراد عادی امتحانشان با همین مسائل حلال و حرام و سیئات گوش و چشم و اینهاست. حوزه ها و دانشگاه ها امتحانشان به همین شبهات علمی و ایجاد شبهه و طرح شبهه و پاسخ به شبهه است که آیا اینها در برابر این امتحان می لرزند یا موفق می شوند. مهمترین امتحان خدا نسبت به حوزه ها و دانشگاهها همین تهاجم و شبهات فرهنگی است. ... {خداوند} فرمود: ما چندکار می کنیم. لکه گیری می کنیم، شست و شو می کنیم، شبهه زدایی می کنیم، اشکال زدایی می کنیم و نقدزدایی می کنیم. همه این نقدها و شبهات و اشکالات می رود کنار بعد محکم کاری می کنیم، متقن کاری می کنیم، حکیمانه وارد می شویم و جامعه را به حکمت دعوت می کنیم. این دوتا کار را با حرف فاء و ثم ذکر می کند و می فرماید: «فَيَنْسَخُ اللَّهُ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ» که ترتیب نسخ است بر القای شبهه با ثم که ترتیب درجه را می رساند نه زمان را. مراتب برتر و بالاتر از شبهه زدایی تعلیم حکمت است. «يَعْلَمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ». برهان حکمت است، فقه مستدل حکمت است، اخلاق مستدل حکمت است، حکمت یعنی، گفتار متقن و استوار. «ثُمَّ يَحْكُمُ اللَّهُ» اصل این صحنه شبیخون یا تهاجم برای چیست؟ برای امتحان است. لیجعل، یعنی «لیجعل الله»؛ زیرا مکرر کلمه الله را در اینجا اسم می برد. ... فرمود: «فَيَنْسَخُ اللَّهُ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ ثُمَّ يَحْكُمُ اللَّهُ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» ... در یک سطر سه بار کلمه مبارک الله ذکر می شود برای تبیین حضور قطعی خدای سبحان در صحنه آزمایش های الهی در بخش های فرهنگی. (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۲۷؛ جوادی آملی (ج)، ۱۳۸۹)

جدول ۱

تفسیر علامه جوادی آملی از آیه ۵۲ سوره حج (درس خارج تفسیر سوره حج، ۱۳۸۹؛ جوادی آملی (ج)، ۱۳۸۹)

تفسیر علامه جوادی آملی از آیه ۵۲ سوره حج	مفهوم تمنی	چگونگی القای شیطان	هدف القای شیطان	چگونگی نسخ القا
آرزوی هدایت بشریت	آرزوی هدایت بشریت	القای شبهات علمی و عملی گمراه کننده توسط دانشمندان منحرف و فسادگران جامعه	پیامبر ﷺ آرزوی هدایت همه مردم را دارد. شیطان برای مقابله با خواسته پیامبر ﷺ می خواهد همه مردم را گمراه کند	زدودن شبهات علمی و عملی توسط اندیشمندان مؤمن

۲-۳. شرح فضای بیرونی آیات

سیاق آیات نشان می‌دهد که شیطان هیچگاه نمی‌تواند بر پیامبران تصرف کند و همیشه با بهره‌گیری از یاران خود در این مسیر حرکت می‌کند، اما هیچگاه به طور مستقیم آسیب نرسانده است بلکه تصرف او در پیروان شیطانی اش محدود می‌شود. آیه ۳۹ سوره حج آغازگر جریان است که تا آیات ۵۲-۵۴ سوره حج از رویارویی همیشگی دو جناح در طول تاریخ بشر سخن می‌راند. آیت الله جوادی آملی پیوستگی بین آیات را اینگونه تفسیر می‌کند:

موضوع کلی مورد بحث این آیات از آیه ۳۹ سوره حج آغاز می‌شود و تا پایان سوره ادامه دارد. در این آیات از دو جناح و دو جریان در طول تاریخ بشر سخن گفته می‌شود. خداوند در این آیات به پیامبر اکرم ﷺ دلداری می‌دهد که اگر تو را تکذیب کردند، ناراحت نباش؛ زیرا به پیامبران پیش از تو نیز ایمان نمی‌آوردند. آن‌گاه برخی اقوام را نام می‌برد که پیامبران را تکذیب کردند و سرانجام هلاکت شدند: «و ان یکذبوک فَعَدَّ كَذِبَتَ». در آیه ۴۶ مردم به سیر در زمین تشویق می‌شوند تا از سرنوشت پیشینیان که پیامبران را تکذیب کردند، عبرت بگیرند، پیام آن را بشنوند و در آن تعقل کنند: «أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ». در آیه ۴۷ دوباره به پیامبر ﷺ دلداری می‌دهد که اگر برای استهزای تو تقاضای شتاب در عذاب می‌کنند، ناراحت نباش؛ زیرا خدا در وعده خود تخلف نمی‌کند: «و يستعجلونك بِالْغَدَابِ» و در آیه بعدی برای نمونه به هلاکت اقوام ستمگری اشاره می‌کند که تعجیل در عذاب را تقاضا می‌کردند. در آیه ۴۹ به بعد از رسول اکرم ﷺ می‌خواهد که خود را بشناساند و سرانجام ایمان و عمل صالح را بیان کند: «قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا أَنَا». نیز فرجام کسانی را که برای به چالش کشیدن وحی و زدودن آیات الهی می‌کوشند به گوش مردم برساند: «وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي آيَاتِنَا» و چون تکذیب‌کنندگان، استهزاکنندگان و تلاشگران برای زدودن آیات الهی با وسوسه شیطان در کار پیامبر اکرم ﷺ سنگ‌اندازی می‌کنند. در آیه ۵۲ به بعد به آن حضرت دلگرمی می‌دهد که بازیگر اصلی این میدان شیطان است و ملحدان صحنه بازیچه دست او هستند. او است که تلاش می‌کند در کار انبیا اخلاص کند. همچنین این سنگ‌اندازی‌ها تنها در کار تو نیست، ولی در کار همه پیامبران بوده است و اینکه تلاش‌های شیطان ثمر ندارد؛ زیرا خدا آن را می‌زداید. وجود شیطان در نظام هستی به خواست خداست و القانات او در امانیه و آرزوی پیامبران برای امتحان بندگان و جداکردن صالحان از طالحن است و با نظام تکلیف هماهنگی دارد. براین اساس آیه مورد بحث در ارتباط کامل با آیات پیش از خود است و با خطوط کلی قرآن کریم هماهنگی تام دارد. (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ۱۶۹/۴)

۳-۳. بررسی آیات همسو

آیت الله جوادی آملی درباره آشکارشدن عدم نفوذ مستقیم القانات ابلیس بر پیامبران از آیات

سوره انعام و آیات ۷۳ و ۷۴ سوره اسراء بهره‌گرفته است و باور دارد که ارتباط موضوعی میان آیه ۵۲ سوره حج در دیدگاه القاناپذیری با آیات ۱۲۱ و ۱۱۲ سوره انعام و آیات دیگر وجود دارد. برای نمونه آیه «و كَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا...» (انعام: ۱۱۲) سنت الهی گرفتاری انبیا به دشمن را بیان می‌کند و توضیح می‌دهد که قلمرو نفوذ شخص پیامبر ﷺ نیست؛ زیرا انبیا جزء عباد مخلص هستند و شیاطین نه از دور به آنها دسترسی دارند و نه از نزدیک بلکه دشمن با اهداف و برنامه‌ها و مکتب انبیا دشمنی می‌کند و با تحریک ستم‌پیشگان و فسادانگیزان به آنها تیر می‌اندازد و شرایط را نامساعد می‌کند تا دست مردم به آنها نرسد. این مطلب در آیه ۵۲ سوره حج آمده است. (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ۵۷۸/۲۶)

۳-۱. آیه ۱۱۲ سوره انعام

آیت‌الله جوادی آملی درباره چگونگی القای شیطان بر پیروان خود با توجه به بحث حاضر در تفسیر آیه ۱۱۲ سوره انعام می‌فرماید:

هیچ پیامبری نیامد و سفره دعوت پهن نکرد مگر اینکه در میان آرزوهای انبیا شیطان تیراندازی می‌کند. نه به خود انبیا، به امنیه اینها، به هدف اینها، به مکتب اینها تیراندازی می‌کند که این مکتب نرسد به دست مردم. هرگز شیطان در محدوده جان انبیا تصرفی ندارد همان‌گونه که در مجاری تبلیغی و تعلیمی آنها تصرفی نخواهد داشت هرچند در جامعه و میان مردم القائاتی دارد تا در سطح جامعه با ایجاد شهوت یا شک‌های علمی شبهه ایجاد کند و تعلیمات پیامبران را عقب ماندگی می‌داند تا به این صورت تمنیات قلبی و اهداف والای انبیا محقق نشود. (جوادی آملی، ۱۳۹۰)

۳-۲. آیات ۷۳ و ۷۴ سوره اسراء

آیت‌الله جوادی آملی درباره تناسب آیات ۷۳ و ۷۴ سوره اسراء می‌فرماید:

مشرکان با مکر و با حيله‌های سیاسی-اجتماعی و تهدید و تطمیع می‌خواهند حضرت درباره بت‌پرستی چیزی نگویند، درباره رذایل اخلاقی آنها هم چیزی نگویند و حرف‌هایی بگویند که مشرکان بپذیرند. خدای سبحان در این بخش از آیات می‌فرماید آنها از راه‌های گوناگون خواستند با تشویق، تهدید، تطمیع، مکر و... در تو نفوذ بکنند، ولی در اثر تشبیت و عصمت الهی پیام الهی را رساندی. اگر تأیید و عصمت الهی نبود و تشبیت الهی نبود ممکن بود کید اینها اثر بگذارد. فرمود اگر ما تشبیت نمی‌کردیم تو نزدیک میل می‌شدی نه نزدیک تحریف، پس چون تشبیت الهی هست نه تنها تحریف نشده است نه تنها میل به تحریف نشده و نزدیکی به میل هم حاصل نشده است. (جوادی آملی (ب)، ۱۳۸۷)

نمونه القائاتی که شیطان به دوستان خود می‌کرد تا به کمک آنها مؤمنان را در پذیرش دعوت پیامبر ﷺ

گرفتار تردید و سرگردانی کند و گواه این ماجراست، چنین است: (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ۴/۱۶۹)

- افترای افسانه بودن قرآن و املاي آن بر پیامبر ﷺ در صبحگاهان و شامگاهان: «وإذا تُتلى عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا قَالُوا قَدْ سَمِعْنَا لَوْ نَشَاءُ لَقُلْنَا مِثْلَ هَذَا إِنْ هَذَا إِلَّا أَسْطِيرُ الْأَوَّلِينَ» (انفال: ۳۱)، «و قالوا أَسْطِيرُ الْأَوَّلِينَ اِكْتَتَبَهَا فَهِيَ تُملى عَلَيْهِ بُكْرَةً وَأَصِيلاً» (فرقان: ۵).

- افترای کمک گرفتن پیامبر ﷺ از گروه انسانی برای قرآن: «و لَقَدْ نَعَلِمُ أَنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّمَا يُعَلِّمُهُ بَشَرٌ...» (نحل: ۱۰۳).

- افترای بشری بودن قرآن و وجود معلم بشری برای تعلیم قرآن به پیامبر ﷺ: «و قال الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا إِفْكٌ افْتَرَاهُ وَأَعَانَهُ عَلَيْهِ قَوْمٌ آخَرُونَ...» (فرقان: ۴)

- تلاش برای نشنیدن آیات از ترس نفوذ قرآن در شنوندگان: «و قال الَّذِينَ كَفَرُوا لَأَتَسَمِعُوا لِهذا الْقُرْآنِ وَالْغَوَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَغْلِبُونَ» (فصلت: ۲۶).

۳-۴. تبیین عقلی نفوذ ناپذیری پیامبران در برابر القائات شیطان

آیت الله جوادی آملی عدم تصرف شیطان بر پیامبران را در آیات مورد بحث با تبیین محدوده هستی پیامبر ﷺ و هستی شیطان بررسی و اثبات کرده است. مبنای تفسیری آیت الله جوادی آملی درباره عدم تأثیر القائات شیطانی بر پیامبران بر چند محور استوار است که به ترتیب و اختصار بررسی می شود. این مبانی عبارتند از:

- ترسیم عصمت در دو گونه عصمت علمی و عصمت عملی.
- تجرد عقلی تام انسان کامل.
- تجرد وهمی شیطان و قلمرو دخالت های او.
- عدم تأثیرگذاری وسوسه بر پیامبران با توجه به هستی شناسی پیامبر ﷺ و شیطان.

۳-۴-۱. عصمت علمی و عملی پیامبران

علم و عمل پیامبران الهی یعنی، قول و فعل آنها در هدایت مردم به سوی خدای متعال حجت است. عصمت به دو صورت عصمت علمی و عصمت عملی تقسیم می شود. عصمت علمی با عقل نظری همسو می شود و شک و شبهه و تردید را از میان می برد و عصمت عملی با الهام از عقل عملی شهوت و غضب را خنثی می کند. علامه جوادی آملی می فرماید:

انسان معصوم مجبور به انجام کار خیر و اطاعت نیست، ولی چون مآل عصمت به نورانیت عقل نظری و عملی است انسان معصوم هم می تواند مانع نفوذ وهم و خیالش در حیطة عقل نظری شود تا زمینه خلط و خبط و مغالطه را از میان بردارد و هم می تواند مانع نفوذ شهوت و غضب در محدوده عقل عملی شود تا به تباهی گناه آلوده نشود و مختارانه

به سمت فضایل حرکت کند. عصمت عملی عالی‌ترین درجه تقواست. همه انبیا در مسائل علمی، تعلما، تحفظا و تعلیما معصوم هستند؛ یعنی آنچه را مربوط به هدایت انسان هاست به طور کامل از خداوند دریافت کرده‌اند و آنچه را فهمیدند خوب نگه می‌دارند و آنچه را نگه داشتند درست ادا می‌کنند. (جوادی آملی (الف)، ۱۳۸۷، ۱۸/۹)

۳-۴-۲. تجرد عقلی تام انسان کامل

عصمت علمی و عملی در انسان کامل به بالاترین مرتبه می‌رسد تا جایی که تجرد تام عقلی را در پی دارد. آیت‌الله جوادی آملی می‌نویسد:

این ملکه علمی بدون شهود میسر نیست؛ زیرا انسان در نشئه وهم و خیال بافته‌های خود را بریافته‌های عقل عرضه می‌کند و آن را مشوب می‌کند و این تفکر مشوب آمیخته با جهل و سهو و نسیان خواهد بود، ولی اگر در حرم عقل ناب به سربرد و از دسترس وهم و خیال رهید معصوم خواهد بود؛ زیرا در حرم عقل، نه شیطان درونی وهم و خیال راه دارد و نه شیطان بیرونی یعنی، ابلیس؛ زیرا تجرد ابلیس مانند وهم و خیال در سقفی مادون سقف عقل محض است و در دستگاه تجرد تام عقلی نه وهم و خیال. (جوادی آملی (الف)، ۱۳۸۷، ۱۸/۹)

محدوده هستی شیطان هرگز مقام شامخ انسان کامل را شامل نمی‌شود و به حریم بندگان مخلص راهی ندارد. اگر شیطان بخواهد انسانی را فریب دهد از راه اندیشه و افکار فریب می‌دهد در حالی که او به مقام فکری و علمی انسان کامل و بندگان مخلص راه ندارد تا بتواند آنها را وسوسه کند. (جوادی آملی (ب)، ۱۳۸۹، ۱۹۹/۶)

۳-۴-۳. تجرد وهمی شیطان و قلمرو دخالت‌های او

حدود هستی شیطان بیان می‌کند که وی از نظر مقام هستی مادی محض نیست بلکه تجرد دارد. تجردی که از حیوان بالاتر است؛ یعنی تجرد وهمی. علامه جوادی آملی می‌فرماید: «شیطان موجودی است مادی و دارای تجرد برزخی و مثالی و راهی به نشئه عقل محض ندارد. او به عالم مثال راه می‌یابد ولی به عالم عقل راه ندارد» (جوادی آملی (ب)، ۱۳۸۹، ۱۹۹/۶).

همانطور که شیطان‌ها به آسمان‌های بلند راه ندارند و هرگاه شیطانی بخواهد به مهبط وحی و مخزن علم الهی برسد شهاب رصد به حیات او خاتمه می‌دهد. «فمن یستمع الآن یجد له شهاباً رصدا» (جن: ۹). در فن مغالطه علمی و شهوت و غضب عملی هیچ شیطنتی به مقام منیع عقل نظر و عقل عمل محض که تجرد تام است، راه ندارد و هرگاه وهم یا خیال بخواهد به منطقه عقل برسد با تیر عقل طرد و رجم می‌شود و آنها جزء اوحدی از انسان‌ها هستند. البته تا جایی که رسیدن و نیز حفظ و نگهداری آن مقام بسیار سخت است؛ زیرا انسان چون نفس متحرک و روح سیال دارد تنزل او هر لحظه ممکن است مگر اینکه لطف خدا شامل حال او شود. (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ۵۶ و ۵۷)

۳-۴-۴. عدم تأثیرگذاری وسوسه بر پیامبران

آیت الله جوادی آملی وسوسه شیطان نسبت به انبیا را در نشئه حس می‌داند؛ زیرا آنها در این نشئه مانند بشر زندگی می‌کنند که «... یَأْكُلُ الطَّعَامَ وَيَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ...» (فرقان: ۷) و اگر هم تصرفی در این نشئه باشد مانند بیماری و ضرر رساندن در محدوده بدن و جسم پیامبر ﷺ است چنان‌که از زبان حضرت ایوب عَلَيْهِ السَّلَام آمده است: «... أَنِّي مَسَّنِيَ الشَّيْطَانُ بِنُصْبٍ وَعَذَابٍ» (ص: ۴۱)، ولی این تصرف نقص نیست. از سوی دیگر در قلمرو بالاتراز حس، وسوسه نسبت به پیامبران در دو مرحله تصویری و تصدیقی است. امکان وسوسه در مرحله تصور وجود دارد؛ زیرا جهاد اکبر در اینجا معنا می‌یابد و هیچ انسانی از جمله پیامبران از این مسئله مستثنا نیستند، اما تأثیرگذاری وسوسه در مرحله تصدیق و عمل میسر نیست؛ زیرا پیامبران جزء بندگان مخلص هستند و شیطان به آنها راه ندارد. این مطلب چنین تبیین می‌شود:

درباره وسوسه شیطان نسبت به انبیا عَلَيْهِمُ السَّلَام باید گفت که وسوسه قبل از عمل به آن دو مرحله را می‌گذراند: مرحله تصور و مرحله تصدیق. انبیا عَلَيْهِمُ السَّلَام از وسوسه در مرحله تصدیق که گناهی قلبی است مصون و معصوم هستند؛ زیرا خداوند آنها را از گناه پاک کرده است، اما در مرحله تصور نیز ممکن است گفته شود که از اطلاعاتی مانند اصطفا، اجتناب، اختیار و تطهیر می‌توان برداشت کرد که انبیا عَلَيْهِمُ السَّلَام در این مرحله نیز از وسوسه شیطان در امان هستند، ولی باید گفت که تنها مرحله تصدیق و عزم بر گناه که از اغوای شیطان حکایت می‌کند با عصمت انبیا عَلَيْهِمُ السَّلَام منافات دارد، اما مرحله تصور که آغاز جنگ طرفینی است، نقص نیست بلکه موجب تحقق جهاد اکبر است و زمینه کمال، پس دلیلی بر نفی آن نیست هرچند بعد از فتح و استغراق در جمال و جلال الهی مجال وسوسه تصویری هم نخواهد بود. وسوسه در حد تصور آسیبی ندارد؛ یعنی پیامبر الهی هنگام شنیدن صدای باطل می‌داند گوینده آن شیطان است، اما منتظر می‌ماند تا سخن او تمام شود و سپس پاسخ می‌گوید. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نه تنها از شیطان متأثر نیست بلکه او را به اسارت گرفته است: «أَسْلَمَ عَلَيَّ يَدِي». در اینجا تذکر این نکته سودمند است که حوزه عصمت و طهارت منطقه ممنوعه است و قلمرو عصمت وسیع است؛ زیرا مراتب فراوانی دارد و لازم نیست که همه معصومان به قله «... دَنَا فَتَدَلَّى» (نجم: ۸) برسند تا از گزند وسوسه مصون شوند. شیطان وقتی به سراغ انبیا عَلَيْهِمُ السَّلَام می‌رود توحیدشان بیشتر می‌شود؛ زیرا آنها به جهاد اکبر می‌پردازند و توفیق بیشتری کسب می‌کنند و این همان گوش فرادادن در مرحله وسوسه تصویری، پاسخ دادن، جنگیدن و پیروزشدن است. آری در مرحله والای عقل محض وسوسه تصویری نیز جای ندارد؛ زیرا مجرد شیطان در حد وهم و خیال است و تصرفات او نیز در همین محدوده است، پس اگر کسی به مرحله عقل تام برسد شیطان به او دسترسی نخواهد داشت؛ زیرا ابزار کار و حائل شیطانی همان جاذبه‌های دنیوی است و چنانچه

کسی از نشئه طبیعت قدم فراتر گذارد و به مرحله تجرد تام عقلی برسد شیطان نه می‌تواند خواسته‌های او را بشناسد نه می‌تواند به وی آسیبی برساند و سخن شیطان به خدا که «به بندگان مخلص تو کاری ندارم» برای آن است که نمی‌تواند به آنها کاری داشته باشد نه اینکه به آنها ترحم یا احترام کند؛ زیرا شیطان دشمن روشن انسان و خصم قسم یاد کرده او است. (جوادی آملی (ب)، ۱۳۸۹، ۱۴/۲۱۶).

پیامبران الهی پرچمداران اخلاص و تقوا هستند. قرآن کریم مقام آنها را می‌ستاید و تنها جایگاهی معرفی می‌کند که از دست برد شیطان محفوظ است. آیت الله جوادی آملی در این باره می‌نویسد:

قرآن کریم بعضی از انسان‌ها را مخلص معرفی می‌کند که از گزند و سوسه نفس اماره و شیطنت شیطان مصون هستند؛ زیرا نفس اماره به عنوان عامل قریب فعل خود را از عامل بعید که ابلیس است، دریافت می‌کند و حوزه نفوذ ابلیس محدوده وهم و خیال است، پس اگر انسان کامل بر خیال و وهم خود مسلط شد و به نشئه تجرد عقلی رسید در دسترس ابلیس نخواهد بود تا آنکه وی از خواسته‌های انسان کامل باخبر شده و در آنها وسوسه کند. نهایت تأثیر علم و عمل ابلیس تا سطح تجرد وهمی است و هرگز به مرحله تجرد عقلی راه ندارد؛ زیرا هرگونه عصیان و استکبار به دخالت وهم و خیال است و آن دورا در نشئه عقل نظری محض راه نیست چنانکه هرگونه بزهکاری و تباهی به دخالت شهوت و غضب است و این دورا در نشئه عقل عملی راه نیست. بنابراین، آنچه جزء ابزار کار شیطان است مورد علاقه بندگان مخلص نیست و آنچه که مورد اشتیاق آنهاست در دسترس شیطان نیست. (جوادی آملی (الف)، ۱۳۸۷، ۹/۲۶)

علت استعاده پیامبر ﷺ امری برای دفع وسوسه و اغواست نه رفع آن؛ زیرا شیطان به ساحت مقدس انبیا ﷺ راهی ندارند. از سوی دیگر شیطان نیز بر هر قلبی نازل نمی‌شود. او بر قلب «أفّاك أئیم» فرود می‌آید: «هَلْ أُتِبْتُكُمْ عَلَىٰ مَنْ تَنْزَلُ الشَّيَاطِينُ * تَنْزَلُ عَلَىٰ كُلِّ أَفَّاكٍ أَئِيمٍ» (شعرا: ۲۲۲ و ۲۲۱)، پس هر جانی فرودگاه شیطان نیست. وقتی شیطان به جان انبیا ﷺ راه ندارد آنها مصون و معصوم هستند. (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ۲۶/۵۷۸)

آیه ۵۲ سوره حج می‌فرماید: «القای شیطان در تمنی پیامبر ﷺ است». اگر تمنی به معنای آرزو باشد از سنخ ذهنیات و خواطر است. از نظر آیت الله جوادی آملی معصوم ﷺ می‌تواند خطوره داشته باشد، ولی خاطره‌اش نیز مصون است؛ زیرا خاطره او یا الهی است یا ملکی و هرگز خاطره نفسانی ندارد چه رسد به خاطره شیطان (جوادی آملی (الف)، ۱۳۸۷، ۹/۲۵).

۳-۴-۵. برآیند تبیین عقلی

پیامبران الهی در محدوده اخذ وحی و حفظ و نگهداری آن و تبلیغ و بیان احکام و نیز در حیطة اعمال و کردارشان معصوم هستند (جوادی آملی (ب)، ۱۳۸۹، ۱۴/۲۱۳) و شیطان و وسوسه‌های

او در حريمشان راه ندارد و سهو و نسيانی به آنها دست نمی دهد؛ یعنی در قلمرو علم و جزم های علمی و در منطقه عمل و عزم های عملی معصوم هستند (جوادی آملی، ۱۳۸۴، ص ۲۸۰). شیطان دشمن آنهاست و همواره سعی می کند اگر نمی تواند به طور مستقیم در خود آنها راه یابد در خواسته ها، برنامه ها و در اجرای طرح های ایشان رخنه کند و نگذارد که خواسته هایشان محقق شود. شیطان تلاش می کند تا در خواسته های پیامبران راه یابد و نگذارد عملی شود: «و ما أرسلنا من قبلك من رسول و لا نبی الا إذا تمنى ألقى الشیطان فی أمنيته» (جوادی آملی (ب)، ۱۳۸۹، ۱۹۹/۶). از نکات بدیع تفسیر آیت الله جوادی آملی این است که شیطان نه تنها به پیامبران دسترسی ندارد بلکه به استناد روایتی از رسول اکرم ﷺ فرمود: «ان شیطانى اسلم علی یدی؛ من شیطانم را مسلم و منقاد خود کرده ام» به دست می آید که پیامبر ﷺ بر شیطان احاطه دارد (جوادی آملی (ب)، ۱۳۸۹، ۱۹۹/۶).

۴. تحلیل و ارزیابی

آیت الله جوادی آملی نظر تفسیری خود را در آیه شریفه براساس تمنی به معنای آرزو و عدم اثرگذاری القا به دلیل تجرد عقلی پیامبران تبیین کرده است. اگرچه از میان برخی نکات تفسیری به دست می آید که از نظر ایشان متعلق تمنی می تواند تلاوت وحی، تبیین آموزه های دین، دعوت عمومی، آرزوی هدایت جامعه و برنامه ریزی برای آن باشد، ولی استنادات ایشان تنها برای معنای آرزو ارائه شده است.

عدم تأثیرگذاری القا بر پیامبران با تجرد عقلی پیامبران و تجرد وهمی شیطان بررسی شد. براساس این تفسیر درباره القائنات شیطانی بر پیامبران مطالب زیر متصور است:

الف) تأثیر وسوسه شیطان در طبیعت جسم پیامبران: باتوجه به داستان حضرت ایوب علیه السلام در قرآن شیطان می تواند در قلمرو طبیعت وارد شود و بر جسم انسان ها از جمله پیامبران اثر بگذارد. البته مشخص است که پیامبران به بیماری هایی که به فکر و اندیشه آنها آسیب برساند دچار نمی شوند.

ب) ورود وسوسه تصویری در تمنی پیامبران: باتوجه به دوصورت وسوسه تصویری و تصدیقی امکان وسوسه در حد تصور وجود دارد؛ زیرا جهاد اکبر اینگونه تعریف شده است که جدال بین عقل و وهم است اگرچه پیامبران فاتحان همیشگی این جهاد هستند. این مسئله را در تمثیل یافتن ابلیس بر حضرت ابراهیم علیه السلام برای سرباززدن از آزمایش الهی درباره ذبح حضرت اسماعیل علیه السلام می توان یادآور شد که سرانجام وسوسه های ابلیس ناکام ماند و حضرت ابراهیم علیه السلام از امتحان

الهی سربلند بیرون آمد.

ج) عدم تأثیر وسوسه تصدیقی بر تمنی پیامبران: تأثیر وسوسه محال است؛ زیرا پیامبران تجرد عقلی تام دارند و شیطان تجرد وهمی دارد و نمی‌تواند در مافوق خود تصرف کند. بنابراین، وسوسه تصدیقی محال است. از سوی دیگر با توجه به موضوع آیه درباره القا در تمنی پیامبران و همچنین بحث خواطر چهارگانه به دست می‌آید که پیامبران فقط خواطر ملکی و الهی دارند و وسوسه‌ها بر ایشان تأثیر ندارد.

د) احاطه پیامبران بر شیاطین: با نظر به مقام انسان کامل و تأثیرگذاری مافوق در مادون نتیجه عقلی آن است که این شیطان است که در تسلیم پیامبر ﷺ قرار دارد همچنانکه در روایت اسلم علی یدی به آن اشاره شده است، اما ضروری است که موضوع اطاعت شیطان از پیامبر ﷺ در پژوهش جداگانه‌ای تبیین شود.

- روایت «ان شیطان اسلم علی یدی» بیانگر انقیاد شیطان در برابر پیامبر اکرم ﷺ در متون اهل سنت ذکر شده است. البته این روایت در منابع شیعی هم آمده است:

وَأُزْمَلُ نَبِينًا ﷺ إِلَى النَّاسِ كَأَفَّةٍ قَوْلُهُ نَذِيرًا لِلْبَشَرِ وَإِلَى الْجِنِّ أَيْضًا قَوْلُهُ وَإِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفْرًا مِنَ الْجِنِّ وَإِلَى الشَّيَاطِينِ أَيْضًا قَالَ ﷺ إِنَّ اللَّهَ أَعَانَنِي عَلَى شَيْطَانٍ حَتَّى أَسْلَمَ عَلَيَّ يَدِي. (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹/۱، ۲۳۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۳۳۷/۱۶)

این روایات نشان می‌دهند که نه تنها شیطان بر پیامبر ﷺ تأثیر نمی‌گذارد بلکه این پیامبر ﷺ است که می‌تواند شیطان را تصرف کند؛ زیرا او پیامبر همه انسان‌ها و جنیان است. البته با توجه به اهمیت اختیار در گزینش راه هدایت «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» (انسان: ۳) شیاطین هم می‌توانند این ولایت را بپذیرند یا از آن روگردان باشند و همچنان در گمراهی باشند. عدم تأثیرگذاری القای شیطان بر دانشمندان دینی: آیت الله جوادی آملی برای تبیین عقلی عدم نفوذ شیطان بر پیامبران عصمت را در دو مرحله عصمت علمی و عصمت عملی تبیین می‌کند. (جوادی آملی (الف)، ۱۳۸۷، ۱۸/۹) با توجه به اینکه ایشان باور دارند مؤمنان عالم می‌توانند در زدودن آشوبگری‌های ابلیس و پیروان جنی و انسانی آنها مؤثر باشند (جوادی آملی (ج)، ۱۳۸۹) با بهره‌گیری از بحث اقسام عصمت برای این گروه، مرتبه‌ای از عصمت علمی و عصمت عملی قایل بود؛ زیرا می‌توانند شبهات شیاطین را بشناسند و برای زدودن و پیراستن آن از سطح جامعه اقدام عملی کنند.

برآیند آنچه در مطالب این مفسر از آیه شریفه به دست آمد توسعه مفهومی آیات شریفه است که در نتیجه اعتقاد به نفوذ ناپذیری حاصل می‌شود. بنابراین، یکی از مهمترین کارکردهای باور به

مصونیت پیامبران در برابر ترفندهای پنهانی ابلیس توجه به مدیریت پیامبران در جوامع و نحوه مقابله آنها با شیاطین است. رویکرد صحیح به مدیریت در برنامه ریزی های علمی و فرهنگی و اجرای صحیح و نظارت اصولی بر آن اهمیت بسیار دارد.

۵. نتیجه گیری

آیت الله جوادی آملی آیات یادشده را جریان عمومی در دعوت به دین می داند؛ یعنی شیطان هنگام تبلیغ آموزه های الهی به جامعه توسط پیامبران در مسیر برنامه آنها وارد می شود و مردم را با روش های گوناگون منحرف می کند. به دنبال این رویارویی دو گروه بیمار دل و سخت دل در آشوب های شیطانی حرکت می کنند و گروه دیگر که علم و ایمان دارند برای از بین بردن و نسخ توطئه های شیطانی از ارزش های دینی دفاع می کنند و سرانجام به اراده پروردگار این حقیقت است که استوار می ماند. این نظر بیان می کند که باتوجه به تجرد عقلی پیامبران و تجرد وهمی شیطان امکان ندارد شیطان بر تمنی پیامبران تصرف کند بلکه دست اندازی در آرزوهای آنها به این معناست که نفوذ پذیری و انتشار و سوسه ها در جامعه توسط بیمار دلان و سخت دلانی صورت می گیرد که در آیه ۵۳ به آن اشاره شده است. بنابراین، عدم تصرف شیطان بر تمنی پیامبران مورد نظر است. نظر آیت الله جوادی آملی رأی جامع درباره عدم نفوذ شیطان بر پیامبران با استناد به آیات ۵۲-۵۴ سوره حج است.

فهرست منابع

- قرآن کریم (۱۳۸۹). ترجمه: فولادوند، محمد مهدی. قم: چاپخانه بزرگ قرآن کریم.
- ۱. ابن اثیر، مبارک بن محمد (۱۳۶۷). *النهاییه فی غریب الحدیث والأثر*. قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- ۲. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (۱۳۷۹). *مناقب آل ابیطالب*. قم: علامه.
- ۳. ابن عاشور، محمد طاهر (۱۴۲۰). *تفسیر التحریر والتنبیر*. بیروت: مؤسسه التاریخ العربی.
- ۴. ازهری، محمد (۱۴۲۱). *تهذیب اللغه*. لبنان: بیروت.
- ۵. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴). *وحی و نبوت در قرآن*. قم: اسراء.
- ۶. جوادی آملی، عبدالله (الف) (۱۳۸۶). *سرچشمه اندیشه*. قم: اسراء.
- ۷. جوادی آملی، عبدالله (ب) (۱۳۸۶). *مراحل اخلاق در قرآن*. قم: اسراء.
- ۸. جوادی آملی، عبدالله (الف) (۱۳۸۷). *دین شناسی*. قم: اسراء.
- ۹. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸). *ادب فنای مقربان*. قم: اسراء.
- ۱۰. جوادی آملی، عبدالله (ب) (۱۳۸۷). *سیره رسول اکرم ﷺ در قرآن*. قم: اسراء.
- ۱۱. جوادی آملی، عبدالله (الف) (۱۳۸۹). *سیره پیامبران در قرآن*. قم: اسراء.
- ۱۲. جوادی آملی، عبدالله (ب) (۱۳۸۹). *تفسیر تسنیم*. جلد ۲۲، ۶، ۱۴. قم: اسراء.
- ۱۳. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱). *تفسیر تسنیم*. جلد ۲۶. قم: اسراء.
- ۱۴. جوادی آملی، عبدالله (ج) (۱۳۸۹). *تفسیر سوره مبارکه حج جلسه ۲۷، ۲۸، ۲۹*. *پرتال بنیاد بین المللی علوم وحیانی اسراء*. قم: اسراء.

۱۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). مفردات الفاظ القرآن. بیروت: دار الشامیه.
۱۶. رحیمی، معصومه (۱۳۹۷). تحلیل آرای مفسران فریقین درباره القائنات شیطانیه بر پیامبران با محوریت آیات ۵۲ و ۵۳ سوره حج. پایان نامه کارشناسی ارشد. قم: جامعه المصطفی العالمیه.
۱۷. صدر الدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۴۲۲). شرح الهدایه الاثیریة. بیروت: مؤسسه تاریخ عربی.
۱۸. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳). بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الأطهار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.